

بررسی نقش شاخص‌های مدرنیته در ابعاد معماری مسکن: مطالعه مجتمع‌های مسکونی تبریز

محمدرضا پورمحمدی - استاد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
رسول قربانی - استاد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
شیوا ولایتی* - دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (ص)، تبریز، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۲۲

چکیده

مسکن دارای ابعاد گوناگونی است که شکل‌گیری آن برآیند شرایط گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، ایدئولوژیکی و محیطی است. مدرنیته و یا همان گرایش به تجدد با تغییر این شرایط، موجب بروز دگرگونی در تمامی ابعاد زندگی از جمله محل زندگی شده و سازمان فضایی شهر و مفهوم خانه را دستخوش تحولات عمده‌ای کرده است. غفلت از آثار مدرنیته در معماری مسکن موجب خواهد شد تا برنامه‌ریزی برای زندگی شهری با ناطمینانی همراه شود. در این میان مجتمع‌های مسکونی زاینده تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از مدرنیته است. در شهر تبریز این نوع از مسکن از دهه ۵۰ متداول شده و اکنون تعداد زیادی از شهروندان این شهر در این مجتمع‌ها سکونت داشته و بخش عمده‌ای از سیمای شهر تبریز را این ساختمان‌ها تشکیل می‌دهد. بنابراین، شناسایی عوامل شکل‌دهنده معماری این بناها در برنامه‌ریزی شهر تبریز از اهمیت بالایی برخوردار است. این مقاله قصد دارد اثر مولفه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که ابعاد اصلی مدرنیته را تشکیل می‌دهند، بر ابعاد مختلف معماری مجتمع‌های مسکونی معاصر در شهر تبریز مورد بررسی قرار دهد. برای این منظور با نظرسنجی از متخصصان و به کارگیری فرایند تحلیل سلسله مراتبی^۱ (AHP) میزان توجه به هر یک از مولفه‌های مذکور در طراحی نما، پلان، فرم و جهت‌گیری این مجتمع‌ها و انتخاب مکان، مصالح، سازه و تراکم آنها مورد سنجش قرار گرفته و اهمیت و تاثیر مولفه‌های مدرنیته در شکل‌گیری ابعاد معماری مجتمع‌های مسکونی مقایسه و مشخص شده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد مدرنیته در ساخت معماری مجتمع‌های مسکونی تبریز موثر بوده اما میزان تاثیر ابعاد مختلف مدرنیته در تحولات معماری مجتمع‌های مسکونی تبریز یکسان نبوده و بعد اقتصادی بیشتر از سایر عوامل در شکل‌گیری این بناها موثر بوده است. همچنین از بین مولفه‌های اقتصادی، سودگرایی بیشترین تاثیر را در تمامی ابعاد معماری مجتمع‌های مسکونی تبریز داشته است.

واژگان کلیدی: مدرنیته، بعد اقتصادی، بعد اجتماعی و فرهنگی، بعد سیاسی، مجتمع‌های مسکونی تبریز

Email: shivav57@yahoo.com

* نویسنده مسئول:

¹ Analytic Hierarchy Process (AHP)

ارجاع به این مقاله:

پورمحمدی، محمدرضا، قربانی، رسول، ولایتی، شیوا. (۱۳۹۷). بررسی نقش شاخص‌های مدرنیته در ابعاد معماری مسکن: مطالعه مجتمع‌های مسکونی تبریز. دانش شهرسازی، ۲(۲)، ۱۶۸-۱۵۵. doi: 10.22124/upk.2018.10604.1101

بیان مسئله

مروری بر زیست‌گاه‌های بشر در دوران مختلف نشان می‌دهد که مسکن همراه با ادوار تاریخی دچار تحولات عمده شده و به نظر می‌رسد این تغییرات همچنان ادامه خواهد داشت. از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری شناخت این تغییرات و عوامل تعیین‌کننده آن اهمیت بالایی داشته و می‌تواند در زمینه‌سازی برای سیاست‌گذاری مناسب جهت توسعه شهرها مؤثر باشد. علاوه بر این که شاخص‌های معماری مانند نما بر سیمای شهر تأثیر می‌گذارد، شاخص‌هایی مانند تراکم، طراحی پلان، مکان‌یابی، نوع سازه و مصالح و همچنین فرم و جهت‌گیری بنا در برنامه‌ریزی‌های شهر حائز اهمیت است. بنابراین شناسایی عوامل مؤثر بر این شاخص‌ها از اولویت‌های مطالعاتی در حوزه برنامه‌ریزی شهری محسوب می‌شود. یکی از پدیده‌های مهمی که تحولات اساسی در این شاخص‌ها ایجاد و از این طریق شهرها را متحول نموده است، مدرنیته می‌باشد. شهر تبریز به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین شهرهای ایران از این تحولات به دور نمانده است. باوجود نفوذ آثار مدرنیته در همه ابعاد زندگی و تأثیرات شگرف آن بر معماری مسکن، مطالعات گسترده و متمرکزی در این حوزه انجام نشده است. هدف این مطالعه بررسی تحولات ناشی از مدرنیته در مجتمع‌های مسکونی تبریز و بررسی نقش هر یک از جنبه‌های مختلف مدرنیته در شکل‌گیری ابعاد معماری مجتمع‌های مسکونی در شهر تبریز در مقایسه با هم است. بنابراین انتظار می‌رود به پرسش‌های زیر که ریشه در اهداف پژوهش حاضر دارد، پاسخ دهد: ۱- مدرنیته بر معماری مجتمع‌های مسکونی تبریز چه تأثیری داشته است؟ ۲- نقش هر کدام از ابعاد مختلف مدرنیته در تحولات معماری مجتمع‌های مسکونی تبریز چه اندازه بوده است؟

مبانی نظری پژوهش

الف- مدرنیته و ابعاد آن

گرچه ریشه کلمه مدرن و معنای لغوی آن به امر تازه و جدیدی باز می‌گردد، اما هر چیز تازه و هر پدیده جدیدی را نمی‌توان مدرن نامید. امر مدرن محصول تحول زندگی انسان از حالت سنتی به حالت جدیدی است که پس از انقلاب‌های اجتماعی - سیاسی بزرگ در اروپا و آمریکا و پس از انقلاب‌های صنعتی در غرب به‌وجود آمد و وضعیت متفاوت و شرایط و ساختارهای جدیدی را در تمام عرصه‌های گوناگون بر زندگی انسان حاکم کرد. گیدنز^۱ (۲۰۱۳) در آغاز کتاب خود به تعریف مدرنیته می‌پردازد. به نظر او مدرنیته به شیوه‌هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی مربوط می‌شود که از سده هفدهم به بعد در اروپا پیدا شد و به تدریج نفوذی کم و بیش جهانی پیدا کرده است. لرنر^۲ (۱۹۵۸) در مورد برخی از معیارهای کلی مدرنیزاسیون صحبت می‌کند، اما بر ارتباطات فکری تأکید می‌کند. به روش مشابه دیوید ای. آپتر^۳ (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که مدرنیزاسیون روند هدایت و کنترل آگاهانه پیامدهای اجتماعی افزایش تمایز نقش و پیچیدگی سازمانی در یک جامعه است. (Apter, 1965, 16). نموده‌های عینی مدرنیزاسیون عبارتند از رشد کاربرد روزافزون علم و تکنولوژی، انطباق مداوم نهادهای اجتماعی با نیازهای دنیا، شهرنشینی، صنعتی شدن، دنیاگرایی، دموکراتیزه شدن سیاست، آموزش و دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، عمده‌ترین ویژگی نوسازی، رشد و گسترش عقلانیت است (ماچاران دوب، ۱۳۷۷، ۳۰). هاین^۴ (۱۹۹۹) در کتاب «مدرنیته و معماری» به مدرنیته به‌عنوان یکی از شرایط زندگی تحمیل شده بر افراد توسط فرآیند اجتماعی، اقتصادی مدرنیزاسیون اشاره نموده که شامل گسست سنت و تأثیر عمیق بر روش‌های زندگی و عادات روزانه است.

1 Giddens

2 Lerner

3 Apter

4 Heynen

معمولاً مدرنیته در دو گروه از ابعاد تعریف می‌شود، گروه اول ابعاد فکری^۱ و گروه دوم ابعاد نهادی^۲ مدرنیته است (Yi, 2006). ابعاد ذهنی به رفتارهای فردی انسان‌ها تأکید دارد و ابعاد نهادی به تغییرات جوامع. از مجموع مباحث نظریه-پردازان مختلف از جمله گیدنز (۲۰۱۳) و هال^۳ (۱۹۹۲) می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که مدرنیته و مدرنیزاسیون در ۳ بعد عمده اتفاق می‌افتد (Singh, 2015):

۱. مدرنیزاسیون اقتصادی، ۲. مدرنیزاسیون سیاسی، ۳. مدرنیزاسیون اجتماعی و فرهنگی. مدرنیزاسیون اقتصادی به تغییر نگرش به کسب سود، فعالیت اقتصادی عقلایی، استفاده زیاد از تکنولوژی پیشرفته و تلاش مستمر برای ایجاد تغییرات نوآورانه در سیستم تولید اشاره دارد. افزایش مصرف‌گرایی یکی دیگر از شاخص‌های مدرنیزاسیون اقتصادی است. همچنین از منظر آییار^۴ (۱۹۷۳)، مدرنیته اقتصادی به طور فزاینده با پیشرفت در تکنولوژی و علم مرتبط است.

جنبه سیاسی مدرنیته مربوط به قدرتی است که تغییرات را از طریق سیاست‌ها، برنامه‌ها، و قوانین ایجاد و متاثر می‌کند. زمانی که مدرنیته سیاسی جامعه بوجود می‌آید، بخش‌های حاشیه‌ای جامعه فرصت پیدا می‌کنند که آزادی مشارکت داشته و از طریق تصویب قوانین در پارلمان و قانون اساسی، حقوق آنها حفظ می‌شود. بنابراین، جنبه سیاسی مدرنیته، ماهیتاً فکری بوده و قادر است بر رفتار و نگرش طبقه نخبگان تأثیر بگذارد (Singh, 2015, 58). در حقیقت، جایگزینی مدیریت و اداره استبدادی افراد با یک سیستم قانونی، نشانه مدرنیته در قلمرو سیاسی است (Nisbet, 1972, 250-251).

در ارتباط با مدرنیزاسیون اجتماعی و فرهنگی باید توجه داشت که مدرنیزاسیون خود اساساً فرآیند تغییر فرهنگ است که دنیای دیدگاه عقلانی و علمی و ارزش‌های اجتماعی جدیدی را به وجود می‌آورد که به موجب آن تغییرات در نظام‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی صورت می‌گیرد. تحت تأثیر مدرنیزاسیون، تغییرات آشکار که در ساختار اجتماعی سنتی رخ داده است و در این مورد در اکثر جوامع سنتی جهان از اقتدارگرا به دموکراسی، بخشی‌گرایی به جهانی‌گرایی، هولوگرام به فردگرایی، قوم‌گرایی به انسان‌گرایی، دگماتیسم و عاطفی بودن به عقلانیت، خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای، موقعیت انتسابی به موقعیت اجتماعی، نابرابری به برابری، شوونیسم مردانه به توانمندسازی زنان و ... حرکت نموده است. جنبه اجتماعی مدرنیته، برابر است با ظهور تغییرات در فرایند شهرسازی، افزایش توده‌ای بخش‌هایی از جمعیت که مدام در حال رشد هستند؛ آن هم در مراکز شهری که در آن انواع خاصی از فعالیت‌های مدنی، حرفه‌ای، اقتصادی و غیره در جریان بوده و شرکت‌ها متمرکزتر شده و به‌طور مستمر در حال توسعه هستند (Singh, 2015, 56). از مجموع مباحث فوق و بر اساس آن چه در مورد ابعاد مدرنیته ذکر شد، شاخص‌های مهم ابعاد مدرنیته در جدول (۱) به تفکیک ابعاد ارائه شده است.

1 Intellectual
2 Institutional
3 Hall
4 Aiyar

جدول ۱- شاخص‌های مهم ابعاد مدرنیته

ابعاد مدرنیته	شاخص‌های مدرنیته
اجتماعی-فرهنگی	فردمحوری
	ساختار دموکراتیک خانوادگی
	خانواده هسته‌ای
	روابط خویشاوندی محدود
	توزیع موقعیت‌ها بر اساس شایستگی
	حاکمیت روابط ثانویه
	کثرت گرایی
	باسوادی
	برابری جنسیتی
	لیبرالیسم
	نرخ رشد جمعیت بالا
	شهرنشینی بالا
	دموکراسی
سیاسی	سکولاریسم
	آزادی فردی
	دولت رفاه
	قوانین مکتوب
	اختیارات غیرفردی عقلانی
	شهروندگرایی
	دفاع نظامی دولتی
	اختیارات دولتی قوی
	اقتصاد صنعتی
	سرمایه‌داری
روابط اقتصادی بر اساس معاهدات	
اقتصادی	اقتصاد بازار محور
	نوآوری و کارآفرین
	تغییرپذیری شغلی
	تقسیم کار پیچیده
	تکنولوژی پیشرفته

ب- اثرات مدرنیته بر ابعاد معماری مجتمع‌های مسکونی در ایران

گذار به مدرنیته در جامعه ایران از حدود یک قرن پیش آغاز شده است و هم‌اکنون نیز در جریان است. جامعه ما هیچ‌گاه زیرساخت‌های مدرنیته را به‌صورت کامل در اختیار نداشته و از نظر فنی نیز همواره کمبودهای فراوانی وجود داشته است. معماری نیز با توجه به نقصان‌های موجود در شیوه‌های ساخت گاه به تقلید ظاهری از معماری مدرن تقلیل یافته است. به نقل از حائری آمده: «آنچه تولید می‌شود ساختمان‌سازی است نه معماری، رشد شهری است نه شهرسازی». این امر بسیاری از شهرهای جهان را شبیه هم کرد و شهرهای بزرگ ایران من جمله تبریز نیز از این روند بی‌بهره نبود. در ایران با شروع عصر سرمایه‌داری و تغییر سبک تولید و معیشت، خانه‌ها کم‌کم از حالت افقی به شکل عمودی و از حالت حیاط‌دار به مجتمع‌های مسکونی و آپارتمانی درآمدند.

روند ورود نوگرایی به ایران با ظاهرنگری شروع شد، در نتیجه بیشتر تغییرات را در نما و تزیین‌ها می‌توان دید. در درجه دوم فرم پلان‌ها، عملکردی مدرن به خود گرفت. در مسیر این تحولات مصالح مورد استفاده در این بناها نیز اندک

اندک عوض شدند. در نهایت ورود عناصر و فضاهای جدید چهره معماری ایران را به کلی تغییر داد. با ورود مفاهیم جدید، پلان‌ها نیز دچار دگرگونی شدند. در کنار این تغییر می‌توان به تغییر در «طبقه» اشاره کرد. دومین عامل تأثیرگذار، افزایش طبقات بنا بود که باعث اضافه شدن فضاهای جدید به خانه شد (مهدوی‌نژاد و منصوری محمود، ۱۳۹۴). همچنین در ساختمان‌های مدرن، حیاط به طبقات بالا منتقل شده و به صورت بالکن و تراس درآمد است (صارمی، ۱۳۷۴). حتی استفاده از اجزاء تزئینی که قبلاً فراوان در ساختمان‌های ایرانی استفاده می‌شد تحت تأثیر این دگرگونی قرار گرفت (جانی‌پور، ۱۳۸۵).

با پیشرفت تکنولوژی و ابداع بتن، فولاد، انواع مصالح ساختمانی و تغییر در سیستم‌های ساختمانی شکل خاصی از معماری به وجود آمد (مهرآیین، ۱۳۸۹: ۱۴). روابط و تقسیم‌بندی بخش عمومی و خصوصی، شب و روز و فضاهای خشک و تر به هم نزدیک شدند حمام و توالی در سازمان فضایی خانه جایی در کنار اتاق‌های خواب یافت و آشپزخانه-های قدیمی و تاریک جای خود را به فضاهای بهداشتی و کاربردی آشپزخانه دادند (مفیدی، ۱۳۹۵، ۱۵).

گسترش الگوهای معماری و خانه‌سازی صنعتی، با جایگزینی شیوه ساخت جدید، نوعی همگن‌سازی خانه را به وجود آورده‌اند (حائری، ۱۳۸۸) به طوری که شباهت‌های بین شهرهای بزرگ دنیا از نظر ساختمان‌ها و فضاهای شهری قابل درک است. چرا که در همه آن‌ها آپارتمان‌ها و برج‌های سربه فلک کشیده و بناهای مکعبی و مستطیلی با مصالح سنگ، شیشه، سیمان و آهن به چشم می‌خورد. همچنین تسلط یافتن ماشین‌آلات مربوط به آشپزخانه، دگرگونی اساسی در فضاها را به وجود آورده است (مفیدی، ۱۳۹۵، ۲۳). با رشد صنعت ساخت و دکوراسیون، دیوارها برداشته شد و فضاهای باز جای سبک سنتی را گرفت، حضور پنجره‌ها در جبهه بیرونی خانه نماسازی را متنوع و برون‌گرایی را تقویت کرد (علی‌الحسابی و کرانی: ۱۳۹۲). با توسعه شهرنشینی نیز، خانه بسیاری از کارکردهای سنتی‌اش مانند محل میهمانی و ملاقات، محل جشن‌ها، محل کار و تولید، همه چیز به جز محل خواب را به فضاهای شهری منتقل کرده است (فاضلی، ۱۳۸۷، ۶۳).

در خانه‌های امروزی ایران به درون‌گرایی و حفظ حرمت خانه و خانواده توجهی نمی‌شود، دید به داخل خانه‌ها امنیت روانی خانواده‌ها را از بین برده و جدایی اتاق‌های والدین و فرزندان، میان محرمان خانه مرز و جدایی انداخته است، جدایی که متأثر از تحولات مدرن است و ریشه سنتی ندارد، تفکیک فضاهای خواب از فضای خوردن و انجام فعالیت‌های روزمره نیز از ویژگی‌های خانه امروزی محسوب می‌شود (مفیدی، ۱۳۹۵، ۲۱). از بین رفتن حریم و وجود اشراف و در نظر نگرفتن آن، حذف قسمت یا تمامی دیوار حیاط، عدم وجود فضاهای نیمه خصوصی و نیمه عمومی و حذف فضاهای بینابین، بلندسازی نامناسب و عدم نور و تهویه مناسب، ارتباط مستقیم با شهر از نمودهای مسکن معاصر است. تبدیل شدن شهر سنتی به شهر مدرن باعث ایجاد یک دگردیسی در معماری شد. احداث خیابان‌ها و میدان‌های جدید به نمای بیرونی ساختمان‌ها اهمیت بخشید (قبادیان، ۱۳۹۳، ۱۳۶). استفاده از فرم‌های مدور، پنجره‌های پیش‌آمده کمانی، بالکن‌های کمانی وارد طرح خانه‌ها و آپارتمان‌های تجاری - مسکونی شد (بانی مسعود، ۱۳۸۸، ۲۵۴). اتاق‌های خواب رو به جنوب و دارای بالکن‌ها و تراس‌های قابل استفاده، قرار دادن فضای هال که به جای نشیمن طراحی شده است و مستقیماً در ارتباط با آشپزخانه و از طرف دیگر به ورودی اصلی مربوط می‌شود (بانی مسعود، ۱۳۸۸، ۲۷۰). عدم وجود سلسله مراتب فضایی و ارتباط مستقیم بیرون با درون یکی از ویژگی‌های بارز در خانه‌های مدرن است (منتظر، ۱۳۹۳، ۱۶۶). محقر و مفصل بودن پلان‌ها و متناسب بودن متراژ واحدها با طبقه اجتماعی مخاطب (متراژ خانه‌ها از ۴۰ مترمربع در تا ۲۰۰ مترمربع متغیر است) از ویژگی‌های دیگر مسکن مدرن است. واحدهای مسکونی کوچک عمدتاً در کوی‌های بخش‌های میانی و جنوب و برای قشر کم درآمد ساخته شده، در حالی که واحدهای مسکونی بزرگتر در کوی‌های میانی و شمال هستند و برای کارمندان با درآمد متوسط ساخته شده‌اند (طالبی و همکاران، ۱۳۹۳). قبلاً در بناها از روش‌های جدید ساخت مانند پیش‌ساختگی و یا ترکیب دیوار باربر، سقف تیرآهن و طاق ضربی استفاده

می‌شد (طالبی و همکاران، ۱۳۹۳). ولی در حال حاضر این روش کمتر متداول می‌باشد. فاضلی (۱۳۸۷) کوچک بودن، ساده بودن، حداکثر استفاده از فضا، فاقد نشانه و رنگ از اثرات مدرنیته بر تحول مسکن می‌داند. علاوه بر این تراکم، انبوه سازی، همسان و همشکل سازی با استانداردسازی از آثار مدرنیسم بر تحولات مسکن است زیرا پیشرفت‌های تکنولوژی به‌ویژه در حمل و نقل، ذخیره‌سازی مواد و بلندکردن اجسام سنگین و آسانسور و غیره اجازه می‌دهد میلیون‌ها آدم در شهرها متراکم شوند، شهرها با ساختمان‌های بسیار بلند و متراکم ساخته شود ماشین اجازه می‌دهد که از هر وسیله‌ای هزاران بلکه میلیون‌ها ساخته شود و همه چیز همشکل می‌شود (پاپلی یزدی، ۱۳۸۱). در جدول (۲) به خلاصه-ای از آثار مدرنیته در معماری مجتمع‌های مسکونی اشاره شده است.

جدول ۲- اثر مدرنیته بر ابعاد معماری در مجتمع‌های مسکونی

منبع	اثر
مهدوی‌نژاد و منصوری مجومرد، ۱۳۹۴؛ فاضلی، ۱۳۸۷؛ حقیر و کامل نیا، ۱۳۹۵؛ منتظر، ۱۳۹۳	کاهش تزئینات و ساده بودن
مهدوی‌نژاد و منصوری مجومرد، ۱۳۹۴؛ منتظر، ۱۳۹۳	برونگرا شدن پلان
قیادیان، ۱۳۹۳؛ مهدوی‌نژاد و منصوری مجومرد، ۱۳۹۴؛ فاضلی، ۱۳۸۷؛ حقیر و کامل نیا، ۱۳۹۵؛ مفیدی و همکاران، ۱۳۹۵؛ مفیدی و همکاران، ۱۳۹۵؛ منتظر، ۱۳۹۳	تغییر در نوع مصالح (استفاده از سنگ، شیشه، سیمان و آهن)
مهدوی‌نژاد و منصوری مجومرد، ۱۳۹۴	ایجاد فضاهای جدید
مهدوی‌نژاد و منصوری مجومرد، ۱۳۹۴	عناصر معماری وارداتی
مهدوی‌نژاد و منصوری مجومرد، ۱۳۹۴؛ طالبی و همکاران، ۱۳۹۳؛ مفیدی و همکاران، ۱۳۹۵؛ منتظر، ۱۳۹۳	افزایش طبقات و رشد عمودی
طالبی و همکاران، ۱۳۹۳	مطابقت اندازه خانه با موقعیت اجتماعی فرد و منطقه سکونت
طالبی و همکاران، ۱۳۹۳؛ فاضلی، ۱۳۸۷؛ حقیر و کامل نیا، ۱۳۹۵؛ مفیدی و همکاران، ۱۳۹۵؛ حائری، ۱۳۸۸؛ منتظر، ۱۳۹۳؛ لین، ۲۰۰۶	تغییر روش‌های ساخت و استفاده از تکنولوژی
طالبی و همکاران، ۱۳۹۳	وجود نظم در جهت قرارگیری بنا
فاضلی، ۱۳۸۷؛ مفیدی و همکاران، ۱۳۹۵؛ حائری، ۱۳۸۸	کوچک شدن
فاضلی، ۱۳۸۷	حداکثر استفاده از فضا
فاضلی، ۱۳۸۷؛ حقیر و کامل نیا، ۱۳۹۵	فاقد نشانه و رنگ و بناهای مکعبی و مستطیلی هم شکل
فاضلی، ۱۳۸۷	عملکردگرایی
فاضلی، ۱۳۸۷	کاهش فضاهای اجتماعی در خانه و انتقال آن به بیرون
فاضلی، ۱۳۸۷	کاهش پنهان سازی و بازتر شدن قلمرو حریم خصوصی
فاضلی، ۱۳۸۷؛ حائری، ۱۳۸۸	مقید بودن به استاندارد و ضوابط دولتی
پاپلی یزدی، ۱۳۸۱؛ حقیر و کامل نیا، ۱۳۹۵؛ حائری، ۱۳۸۸	انبوه سازی و افزایش تعداد واحدها
حقیر و کامل نیا، ۱۳۹۵؛ حائری، ۱۳۸۸	افزایش پنجره‌ها و عریض شدن آنها
حقیر و کامل نیا، ۱۳۹۵؛ مفیدی و همکاران، ۱۳۹۵	پلان آزاد (آزاد از قید و بند هندسه)
حقیر و کامل نیا، ۱۳۹۵؛ حائری، ۱۳۸۸؛ منتظر، ۱۳۹۳؛ صارمی، ۱۳۷۴	وجود تراس
حقیر و کامل نیا، ۱۳۹۵	نمای آزاد
حقیر و کامل نیا، ۱۳۹۵	وجود پیلوت
حقیر و کامل نیا، ۱۳۹۵	تغییر فاصله از مرکز شهر
حقیر و کامل نیا، ۱۳۹۵؛ حائری، ۱۳۸۸؛ منتظر، ۱۳۹۳	حذف فضاهای بینابین
حقیر و کامل نیا، ۱۳۹۵؛ حائری، ۱۳۸۸	وجود اشراف و از بین رفتن حریم

منبع	اثر
حقیر و کامل نیا، ۱۳۹۵	عدم توجه به جهت‌گیری مناسب
حائری، ۱۳۸۸	تاسیسات آسایشی
حائری، ۱۳۸۸؛ مفیدی و همکاران، ۱۳۹۵؛ منتظر، ۱۳۹۳	تغییر در سازمان فضایی و عملکرد اندام خانه (در کنار هم قرار گرفتن فضاهای خشک و تر، تفکیک به فضای شب و روز و خصوصی و عمومی)
حائری، ۱۳۸۸	ورود دولت به عرصه ساخت
حائری، ۱۳۸۸	سبک سازی بنا و نازک شدن دیوارها، ضرورت وجود پارکینگ و کاهش فضای سبز

بر اساس مطالب فوق آثار مدرنیته بر معماری مسکن در ابعاد نما و پوشش ساختمان، مکان‌یابی، تراکم، طراحی پلان، انتخاب سازه و نوع مصالح، فرم و جهت‌گیری بنا مشهود است.

روش پژوهش

این مطالعه در دو مرحله انجام می‌پذیرد. در مرحله اول مشخصات و ویژگی‌های معماری برخی مجتمع‌های مسکونی تبریز با استفاده از ابزار پرسشنامه و مصاحبه جمع‌آوری شده و با به‌کارگیری روش تحلیل اکتشافی به شناسایی تحولات رخ داده در مجتمع‌های مسکونی تبریز پرداخته می‌شود. در مرحله دوم با ارائه تحولات مشاهده شده به متخصصان معماری و برنامه‌ریزان شهری و شهرسازی از آن‌ها خواسته می‌شود تا اهمیت هر یک از شاخص‌های مربوط به ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مدرنیته را در وقوع این تحولات مشخص نمایند. در ادامه با به‌کارگیری روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) به رتبه‌بندی نقش شاخص‌ها و ابعاد مدرنیته در شکل‌گیری تحولات معماری مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز می‌پردازیم. روش سلسله مراتب تحلیلی با توجه به سادگی، انعطاف‌پذیری، به‌کارگیری روش‌های کیفی و کمی به طور همزمان و نیز قابلیت بررسی سازگاری در قضاوت‌ها می‌تواند در بررسی موضوعات مربوط به برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای کاربرد داشته باشد (زبردست، ۱۳۸۰). شایان ذکر است که ابعاد و زیر شاخص‌های مربوط به مدرنیته با مطالعات کتابخانه‌ای و براساس مبانی نظری تهیه شده است. الگوی سلسله مراتبی این مطالعه مطابق با نمودار (۱) است. با توجه به مطالعات پیشین، مهم‌ترین ابعاد معماری مجتمع‌های مسکونی که تحت‌تأثیر مدرنیته قرار گرفته عبارت از مکان‌یابی، تراکم (ساختمانی و جمعیتی)، طراحی پلان، انتخاب سازه و نوع مصالح، فرم و جهت‌گیری و در نهایت طراحی نما و پوشش مجتمع‌های مسکونی است. همچنین ابعاد مدرنیته طبق مطالعات استخراج شده از مبانی نظری مقاله شامل بعد اقتصادی، بعد سیاسی و بعد اجتماعی و فرهنگی بوده که طبق جدول (۱) شاخص‌های مهم بعد اقتصادی عبارتند از مصرف‌گرایی، سودگرایی، صنعتی شدن و پیشرفت فناوری، شاخص‌های بعد سیاسی مدرنیته، افزایش اختیارات دولتی و مقررات دولتی، ورود دولت به بخش ساخت و ساز مسکن، دولت رفاه و شهروندگرایی و شاخص‌های مهم بعد اجتماعی و فرهنگی شامل فرد محوری، تعدد افکار و تنوع سلیقه، رشد جمعیت بالا و شهرنشینی، خانواده هسته‌ای و روابط خویشاوندی محدود است.



نمودار ۱- مدل تحلیلی مدرنیته و تحولات معماری مجتمع‌های مسکونی

محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه شهر تبریز، مرکز استان آذربایجان شرقی و سومین شهر بزرگ ایران از شهرهای مدرن و یکی از قطب‌های اقتصادی، صنعتی، گردشگری و تجاری کشور است. براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، جمعیت تبریز بالغ بر ۱,۵۵۸,۶۹۳ نفر بوده است (درگاه ملی آمار بازبینی‌شده در ۱۹ ژوئن ۲۰۱۷). تعداد مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز بیش از ۱۷۰ مورد است و بیشترین پراکندگی در منطقه ۱ (ولی‌عصر)، منطقه ۲ (اثل‌گلی و یاغچیان) و منطقه ۳ (لاله و رسالت) و منطقه ۵ (باغ‌میشه و رشديه) می باشد.

اولین مجتمع مسکونی در شهر تبریز در سال ۱۳۵۰ با ۵۰۰ واحد آپارتمان دو خوابه تراس‌دار و ۵۰۰ تک واحدی یک و دو خوابه برای کارمندان دولت با اسکلت فلزی در ۱۶ بلوک در خیابان منظریه با نام آپارتمان‌های آبادانی مسکن شروع به ساخت و ساز شد. بلوک‌ها بدون پارکینگ و انباری، بصورت همکف و ۴ طبقه یعنی جمعاً ۵ طبقه مسکونی ساخته شدند. دومین مجتمع مسکونی، شهرک امام در محله شنب‌غازان در غرب تبریز با تعداد ۵۴۵۶ واحد در سال ۱۳۵۴ توسط شرکت خانه‌سازی پیش ساخته آذربایجان با مشارکت بانک رفاه کارگران به روش پیش ساخته برای کارگران در سه مترای ۹۰/۹۵، ۷۱/۵۰ و ۸۰/۶۶ متر ساخته شد. که بدون آسانسور، پارکینگ، انباری و تراس هستند. و به این ترتیب مجتمع‌های مسکونی روند رو به رشد خود را آغاز کردند. پس از انقلاب، انبوه‌سازی مسکن حدوداً به مدت یک دهه دچار رکود گردید ولی مجدداً با بروز مشکلات متعدد، سیاست‌ها به تدریج تغییر کرده و تولید انبوه مسکن، دوباره مورد توجه و حمایت برنامه‌های توسعه کشور قرار گرفت. با بررسی میزان و نوع ساخت مجتمع‌های مسکونی و مرور برخی از شاخص‌های معماری در مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز از دهه ۵۰ تاکنون، برخی از تحولات به‌وجود آمده در مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳- بررسی تحولات مجتمع‌های مسکونی اولیه و جدید تبریز

ویژگی‌های مجتمع‌های مسکونی جدید	ویژگی‌های مجتمع‌های مسکونی اولیه	ابعاد معماری مجتمع‌های مسکونی تبریز
تعداد طبقات تا ۲۰ طبقه افزایش یافته است. مساحت زمین تخصیص داده شده به مجتمع مسکونی کم است. درصد سطح اشغال بیشتر است. تعداد واحدها در هر طبقه تا ۵-۶ واحد افزایش یافته است.	تعداد طبقات تا ۴ طبقه است. مساحت زمین تخصیص داده شده به مجتمع مسکونی بیشتر است. درصد سطح اشغال کم است. تعداد واحدها در طبقات کم است.	تراکم (جمعیتی و ساختمانی)
در این زمینه تغییری حاصل نشده است.	مجتمع‌های مسکونی به علت توسعه حمل و نقل شهری از مناطق نزدیک به مرکز شهر دور شده‌اند.	مکانیابی
با گذشت زمان و لزوم بلند مرتبه نوع ساخت و ساز و عدم انتقال تکنولوژی روز در دهه‌های اخیر از شیوه پیش ساختگی کمتر استفاده شده است. با وجود بهره‌گیری از مصالح و تجهیزات مدرن، روش‌های ساخت‌وساز سنتی است. در این زمینه تغییری حاصل نشده است.	سیستم سازه‌ای غالباً به صورت پیش ساخته بوده است. مصالح عمدتاً بتن، فلز و شیشه است.	انتخاب سازه و مصالح معماری
در برخی مجتمع‌های مسکونی ساخته شده در دهه‌های اخیر این فضا لحاظ شده است. بدون تغییر مانده است. مترائ واحد‌ها و تعداد اتاق‌ها هم افزایش یافته و هم متنوع شده است. آشپزخانه‌ها این هستند. ۷۰٪ واحدها دارای پارکینگ سرپوشیده هستند. اکثر آذارای انباری، آسانسور و پله فرار هستند. برخی دارای لابی هستند. تعدد سرویس‌های بهداشتی و حمام متعدد است.	فضاهای بینابین در جهت افزایش مترائ فضاهای اصلی از بین رفته‌اند. ورودی واحدها روبروی هم بودند. و به فضاهای داخلی اشراف وجود دارد. مترائ واحد‌ها و تعداد اتاق‌ها کم و ثابت است. آشپزخانه‌ها غیر این هستند. پارکینگ سرپوشیده ندارند. انباری، آسانسور و پله فرار ندارند. لابی ندارند. تعدد سرویس‌های بهداشتی و حمام محدود است.	طراحی پلان معماری
در این زمینه بدون تغییر مانده است. در نحوه قرارگیری و جهت بلوک‌ها چارچوب خاصی دیده نمی‌شود. عمدتاً کنترل دید رعایت نمی‌شود. در برخی اشراف وجود دارد.	فرم بلوک‌ها مکعبی شکل است. نحوه قرارگیری بلوک‌ها منظم و شرقی غربی است. کنترل دید رعایت شده است. اشراف وجود ندارد.	فرم و جهت‌گیری بنا
تراس در نمای اکثر ساختمان‌ها وجود دارد. با پیشرفت تکنولوژی امکان دوجداره کردن در جهت کاهش مصرف انرژی و اقتصادی‌سازی آنها انجام شده است. همچنین استفاده از فرم‌های مدور در شکل پنجره‌ها دیده می‌شود. در این زمینه بدون تغییر باقی مانده است. مصالح نما اغلب بتن، آجر، سیمان و شیشه است. نماها بدون تزیین گاه‌ها دارای رنگ است.	برخی دارای تراس است. شکل پنجره‌ها مربع و مستطیل است. درصد کمی از نما به پنجره اختصاص دارد. مصالح نما اغلب بتن است. نماها بدون تزیین است.	طراحی نما و پوشش بنای (دیوارها، پنجره‌ها و...)

یافته‌های پژوهش و تحلیل آن

در روش AHP پس از ساخت سلسله مراتب، پرسشنامه آنلاین تنظیم و به ۸۴ نفر از متخصصان فعال در حوزه ساخت و ساز مسکن (معماران، برنامه‌ریزان و طراحان شهری و مهندسين عمران) شهر تبریز، طبق جدول (۴) ارائه شده است. برای بررسی آثار مدرنیته بر هر یک از ابعاد معماری مجتمع‌های مسکونی یک پرسشنامه برای آن بعد معماری طراحی شد. مطابق با جدول (۴) تعداد پاسخگویان هر پرسشنامه برابر ۱۴ است که برای روش AHP این تعداد مناسب به نظر می‌رسد زیرا روش AHP بر نظرسنجی از تعداد محدود متخصصان با تجربه بالا استوار است. در مطالعات مختلف هم

حجم نمونه‌های متفاوت قابل مشاهده است و الگوی خاصی برای تعیین حجم نمونه وجود ندارد (کیل و همکاران^۱، ۲۰۱۶). بر اساس جدول (۴) اکثر پاسخگویان دارای سابقه کار بیش از ۱۰ سال می‌باشند که از این لحاظ نیز نمونه مورد بررسی دارای مزیت است.

جدول ۴- توزیع پاسخگویان بر اساس رشته تحصیلی، تحصیلات و تجربه

پرسشنامه	تعداد پاسخگو	رشته تحصیلی									سابقه فعالیت (سال)	
		عمران	معماری	شهرسازی	شهری	معماری	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکترا	۱ تا ۵		۶ تا ۱۰
مکان‌یابی	۱۴	۱	۶	۳	۴	۰	۰	۶	۸	۳	۲	۹
تراکم	۱۴	۰	۸	۱	۵	۱	۱	۵	۸	۵	۱	۸
طراحی پلان	۱۴	۲	۱۱	۱	۰	۲	۰	۷	۵	۰	۱	۱۳
انتخاب سازه و نوع مصالح	۱۴	۸	۵	۱	۰	۳	۰	۳	۸	۳	۱	۱۰
فرم و جهت‌گیری بنا	۱۴	۱	۱۰	۲	۱	۳	۱	۶	۵	۱	۵	۸
طراحی نما و پوشش	۱۴	۰	۱۱	۳	۰	۲	۰	۷	۵	۲	۴	۸
جمع	۸۴	۱۲	۵۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۱	۳۴	۳۹	۱۴	۱۴	۵۶

بعد از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، همان‌طور که جدول (۵) نشان می‌دهد ابتدا نقش هر یک از ابعاد مدرنیته در سطح اول بر ابعاد معماری مقایسه شده است. در تمامی ابعاد معماری مجتمع‌های مسکونی تبریز بعد اقتصادی مدرنیته بالاترین اولویت و بعد اجتماعی و فرهنگی در تمامی ابعاد معماری در اولویت دوم و بعد سیاسی مدرنیته در اولویت سوم قرار گرفته است.

جدول ۵- وزن ابعاد مدرنیته در ابعاد معماری مجتمع‌های مسکونی تبریز

ردیف	معیار	مکان-یابی	طراحی پلان	انتخاب سازه و مصالح	تراکم	فرم و جهت‌گیری	طراحی نما و پوشش بنا
۱	ابعاد اقتصادی	۰,۵۳۱	۰,۴۷۲	۰,۵۰۴	۰,۴۵۸	۰,۵۱۹	۰,۴۶۳
۲	ابعاد اجتماعی و فرهنگی	۰,۲۵	۰,۲۹۱	۰,۳۰۱	۰,۳۵۹	۰,۲۸۵	۰,۳۲۳
۳	ابعاد سیاسی	۰,۲۱۹	۰,۲۳۶	۰,۱۹۴	۰,۱۸۳	۰,۱۹۶	۰,۲۱۴
	نرخ ناسازگاری	۰,۰۴	۰,۰۵	۰,۰۴	۰,۰۴	۰,۰۳	۰,۰۲

در مرحله بعد، مقایسات زوجی در سطح دوم و در میان زیرمعیارهای هر یک از معیارهای سطح اول و یا همان ابعاد مدرنیته انجام شده است که نتایج رتبه‌بندی این زیرمعیارها در جدول (۶) ارائه شده است. در بخش اول این جدول وزن ۳ شاخص منتخب بعد اقتصادی در مقایسه با هم محاسبه شده است. نتایج حاصل از تحلیل سلسله مراتبی نشان می‌دهد که در بعد اقتصادی در تمامی ابعاد معماری به جز فرم و جهت‌گیری بنا، شاخص سودگرایی بالاترین وزن، شاخص مصرف‌گرایی در رتبه دوم و صنعتی شدن و پیشرفت فناوری در رتبه سوم و کمترین وزن را در تصمیم‌گیری‌های مربوط به ابعاد معماری مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز داشته‌اند. در بعد فرم و جهت‌گیری بنا همچنان سودگرایی بیشترین تاثیر را دارد ولی اثر صنعتی شدن و پیشرفت فناوری بیش از مصرف‌گرایی است. در بخش دوم جدول، تاثیر چهار شاخص مهم بعد اجتماعی و فرهنگی مدرنیته بر ابعاد معماری مجتمع‌های مسکونی تبریز مقایسه شده است که بر اساس نتایج حاصل، در تمامی ابعاد معماری مجتمع‌های مسکونی بجز طراحی پلان، رشد جمعیت بالا و شهرنشینی بیشترین وزن را

¹ Kil

به خود اختصاص داده است. در طراحی پلان، زیرمعیار فرد محوری، تعدد افکار و تنوع سلايق بالاترين وزن را دارا است. در امتياز دهی و اولويت‌بندی اثر زیرمعیارهای بعد سیاسی مدرنیته، در بعد طراحی پلان، فرم و جهت‌گیری بنا، طراحی نما و پوشش مجتمع‌های مسکونی، افزایش اختیارات دولت و مقررات دولتی بالاترين وزن را دارد. در بعد انتخاب سازه و مصالح و تراکم، دولت رفاه و شهروندگرایی دارای بیشترین وزن است. در بعد مکان‌یابی، ورود دولت به بخش مسکن بالاترين امتياز را دارا می‌باشد. نتایج نشان دهنده سازگاری تحلیل سلسله مراتبی است زیرا در تمامی موارد نرخ ناسازگاری کمتر از ۰/۱ است.

جدول ۶- وزن زیرمعیارهای هر یک از ابعاد مدرنیته در مقایسه با زیرمعیارهای همان بعد در تاثیرگذاری بر ابعاد معماری مجتمع-

های مسکونی

ردیف	معیار	مکان-یابی	طراحی پلان	انتخاب سازه و مصالح	تراکم	فرم و جهت‌گیری	طراحی نما و پوشش بنا
بعد اقتصادی	سودگرایی	۰,۷۲۰	۰,۷۲۵	۰,۶۴۶	۰,۷۵۴	۰,۶۵۸	۰,۶۷۳
	مصرف‌گرایی	۰,۱۵۲	۰,۱۴۵	۰,۲۰۳	۰,۱۲۹	۰,۱۲۰	۰,۱۷۷
	صنعتی شدن و پیشرفت فناوری	۰,۱۲۸	۰,۱۳۰	۰,۱۵۱	۰,۱۱۷	۰,۲۲۲	۰,۱۵۰
نرخ ناسازگاری							
بعد اجتماعی-فرهنگی	فرد محوری، تعدد افکار و تنوع سلايق	۰,۲۳۵	۰,۲۸۹	۰,۱۹۸	۰,۱۴۲	۰,۱۹۴	۰,۲۲۹
	رشد جمعیت بالا و شهرنشینی	۰,۴۰۰	۰,۲۸۶	۰,۳۰۱	۰,۴۵۲	۰,۴۲۲	۰,۴۵۶
	خانواده هسته‌ای	۰,۱۶۶	۰,۲۰۶	۰,۲۷۸	۰,۲۴۱	۰,۲۱۴	۰,۱۶۸
	روابط خویشاوندی محدود	۰,۱۹۹	۰,۲۱۹	۰,۲۲۳	۰,۱۶۵	۰,۱۷۰	۰,۱۴۷
نرخ ناسازگاری							
بعد سیاسی	ورود دولت به بخش مسکن	۰,۴۳۶	۰,۳۵۴	۰,۲۲۸	۰,۳۰۲	۰,۲۳۹	۰,۳۴۶
	افزایش اختیارات دولت و مقررات دولتی	۰,۳۷۷	۰,۴۰۱	۰,۳۲۷	۰,۲۹۳	۰,۴۲۱	۰,۳۵۳
	دولت رفاه و شهروندگرایی	۰,۱۸۷	۰,۲۴۵	۰,۴۴۴	۰,۴۰۵	۰,۳۴۰	۰,۳۰۱
	نرخ ناسازگاری	۰,۰۳	۰,۰۰۱	۰,۰۰۶	۰,۰۰۴	۰,۰۰۲	۰,۰۰۲

در گام بعد باید بر اساس وزن‌های حاصل در جدول (۵) و (۶) وزن هر یک از زیرمعیارهای در سطح پایانی یعنی سطح دوم را محاسبه و بر اساس آن رتبه‌بندی نهایی این زیرمعیارها را ارائه نمود. نتایج این رتبه‌بندی در جدول (۷) ارائه شده است. مطابق جدول (۷) در بعد مکان‌یابی، شاخص سودگرایی، رشد جمعیت بالا و شهرنشینی، ورود دولت به بخش مسکن به ترتیب بالاترين رتبه‌ها یعنی رتبه‌های یک تا سه و دولت رفاه و شهروندگرایی پایین‌ترین رتبه یعنی رتبه دهم را به خود اختصاص داده‌اند. در بعد طراحی پلان شاخص سودگرایی، افزایش اختیارات دولت و مقررات دولتی، فردمحوری، تعدد افکار و تنوع سلايق بالاترين رتبه‌ها به ترتیب رتبه‌های یک تا سه و شاخص دولت رفاه و شهروندگرایی، رتبه آخر را کسب کرده‌است. در بعد انتخاب سازه و مصالح شاخص سود گرایی، مصرف‌گرایی، رشد جمعیت بالا و شهرنشینی بالاترين رتبه‌ها و شاخص ورود دولت به بخش ساخت و ساز مسکن پایین‌ترین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند. در بعد افزایش تراکم، شاخص سودگرایی، رشد جمعیت بالا و شهرنشینی، خانواده هسته‌ای بالاترين رتبه و فرد محوری، تعدد افکار و تنوع سلايق، پایین‌ترین رتبه را دارا است. در بعد فرم و جهت‌گیری بنا، سودگرایی و مصرف‌گرایی، رشد جمعیت بالا و شهرنشینی بالاترين رتبه‌ها و شاخص روابط خویشاوندی محدود، پایین‌ترین رتبه‌ها را

دارا می‌باشد. و نهایتاً در بعد طراحی نما و پوشش شاخص سودگرایی، رشد جمعیت بالا و شهرنشینی، مصرف‌گرایی بالاترین رتبه، روابط خویشاوندی محدود پایین‌ترین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۷- رتبه‌بندی شاخص‌های مدرنیته موثر در ابعاد معماری مجتمع‌های مسکونی تبریز

رتبه	معیارها	مکان‌یابی		تغییرات طراحی پلان		انتخاب سازه و مصالح		افزایش تراکم		فرم و جهت گیری		طراحی نما و پوشش بنا	
		رتبه	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره
۱	سودگرایی	۱	۰,۳۸۱	۱	۰,۳۴۲	۱	۰,۳۲۵	۱	۰,۳۴۵	۱	۰,۳۴۲	۱	۰,۳۱۲
۲	مصرف‌گرایی	۵	۰,۰۸۱	۶	۰,۰۶۹	۲	۰,۱۰۳	۵	۰,۰۶۰	۲	۰,۱۳۱	۳	۰,۰۸۲
۳	صنعتی شدن و پیشرفت فناوری	۶	۰,۰۶۸	۸	۰,۰۶۱	۶	۰,۰۷۷	۹	۰,۰۵۳	۴	۰,۱۰۶	۷	۰,۰۷۰
۴	فرد محوری، تعدد افکار و تنوع سلاقی	۷	۰,۰۵۹	۳	۰,۰۸۴	۹	۰,۰۶۰	۱۰	۰,۰۵۰	۷	۰,۰۶۸	۶	۰,۰۷۳
۵	رشد جمعیت بالا و شهرنشینی	۲	۰,۱	۵	۰,۰۸۳	۳	۰,۰۹۰	۲	۰,۱۶۱	۳	۰,۱۰۸	۲	۰,۱۴۷
۶	خانواده هسته‌ای	۹	۰,۰۴۲	۹	۰,۰۶۰	۵	۰,۰۸۴	۳	۰,۰۸۷	۸	۰,۰۶۲	۹	۰,۰۵۴
۷	روابط خویشاوندی محدود	۸	۰,۰۵۰	۷	۰,۰۶۴	۷	۰,۰۶۸	۶	۰,۰۶۰	۱۰	۰,۰۴۷	۱	۰,۰۴۷
۸	ورود دولت به بخش مسکن	۳	۰,۰۹۵	۴	۰,۰۸۴	۱۰	۰,۰۴۴	۷	۰,۰۵۶	۹	۰,۰۵۸	۵	۰,۰۷۴
۹	افزایش اختیارات دولت و مقررات دولتی	۴	۰,۰۸۳	۲	۰,۰۹۵	۸	۰,۰۶۳	۸	۰,۰۵۴	۵	۰,۰۷۹	۴	۰,۰۷۷
۱۰	دولت رفاه و شهروندگرایی	۱	۰,۰۴۱	۱	۰,۰۵۸	۴	۰,۰۸۶	۴	۰,۰۷۴	۶	۰,۰۶۷	۸	۰,۰۶۴

نتیجه‌گیری

ظهور مدرنیته که همراه با صنعتی شدن و پیشرفت تکنولوژی، مصرف‌گرایی و توجه بیشتر به سود اقتصادی، افزایش مقررات دولتی و ورود دولت به بخش ساخت و ساز مسکن، فردگرایی و کاهش بعد خانوار و افزایش تعداد خانوارها، و در نهایت مهاجرت فزاینده از روستاها به شهرها و نیاز فوری به مسکن سازی بیشتر برای پذیرش جمعیت بود، موجب شکل‌گیری نوع خاصی از مسکن به نام مجتمع‌های مسکونی شد که در معماری آن به‌جای توجه به ملاحظات فرهنگی و اجتماعی ملی و بومی، ملاحظات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مدرنیته بیشتر مورد توجه بوده است. در شهر تبریز نیز از دهه ۵۰ شاهد شکل‌گیری این نوع مسکن و افزایش آن در طول زمان بوده‌ایم که کاملاً مطابق با نوع غربی خود بوده‌اند. در این مجتمع‌ها نه تنها شیوه‌های ساخت و ساز، مصالح ساختمانی و تکنولوژی جدید از معماری مدرن غرب اقتباس شده، بلکه الگوهای طراحی معماری نیز به تدریج وارداتی شده است. که اغلب زاینده جبر و نیازهای دوران مدرن است. مطالعه حاضر نشان می‌دهد، مولفه‌های هر سه بعد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی (مدیریتی) مدرنیته بر معماری مجتمع‌های مسکونی تبریز تاثیرگذار هستند. همچنین میزان تاثیر ابعاد مختلف مدرنیته یکسان نبوده و بعد اقتصادی بیشتر از سایر عوامل در معماری مجتمع‌های مسکونی تبریز موثر بوده است. در بین شاخص‌های اقتصادی نیز غلبه انگیزه سودگرایی در مسکن نقش چشمگیری دارد. به طوری که این انگیزه، معماری مجتمع‌های مسکونی در تبریز را به سوی ساختمان‌سازی که در اکثر مواقع نوعی سرمایه‌گذاری تضمینی است، سوق داده است. به عبارت دیگر اگر چه شکل‌گیری مجتمع‌های مسکونی از اقتضات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مدرنیته ناشی شده است اما در طول زمان بعد اقتصادی غالب آمده و در حال حاضر این عامل مهمترین معیار برای تعیین معماری

مجتمع‌های مسکونی در شهر تبریز است. خالی بودن برخی از واحدهای مسکونی وابسته به بخش‌های خصوصی در طی سال‌های متمادی و به فروش نرسیدن واحدها و در مقابل سیل بسیار زیادی از خانواده‌های بدون مسکن و در نتیجه ایجاد عدم تعادل بین عرضه و تقاضای مؤثر گواه این ادعا است. به تعبیر جورج زیمل غلبه ارزش‌های اقتصادی، مفهوم خانه را نیز تغییر داده و این سرمایه‌گذاری سودده جای بسیاری از فعالیت‌های مولد اقتصادی را گرفته است. پیشنهاد می‌شود در جهت احیای معماری ایرانی در مجتمع‌های مسکونی شهر تبریز، ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و مقررات دولتی، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان دولت و شهرداری‌ها در اولویت‌های قبل از ملاحظات اقتصادی قرار گیرند. ساختمان‌های مسکونی باید به منظور محقق کردن طیف گسترده‌ای از الزامات ساخته شوند. بنابراین تنظیم مقررات در خصوص الزامات فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، بومی و جغرافیایی و نظارت بر رعایت آنها در ساخت مجتمع‌های مسکونی می‌تواند ضمن کاهش جاذبه اقتصادی این کالا در ساخت شهری زیبا و پایدار نیز موثر باشد.

منابع و مأخذ

- بانی مسعود، امیر. (۱۳۸۸). *معماری معاصر ایران: در تکاپوی سنت و مدرنیته*. تهران: هنر معماری قرن. پاپلی یزدی، محمد حسین و سقایی، مهدی. (۱۳۸۱). سنت، مدرنیته (بازخوانی یک مقاله). *نشریه تحقیقات جغرافیایی*، ۶۵-۶۶، ۸-۸۳۱.
- جانی‌پور (جهان‌پور)، بهروز. (۱۳۸۵). تأثیرپذیری دوره‌ای نمای ساختمان‌ها از مد و مصالح رایج در معماری معاصر تهران. *فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی*، ۵۲، ۴۳-۴۰.
- حائری مازندرانی، محمدرضا. (۱۳۸۸). *خانه، فرهنگ، طبیعت، تهران*. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی.
- حقیق، سعید و کامل‌نیا، حامد. (۱۳۹۵). *نظریه مدرنیته در معماری*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زبردست، اسفندیار. (۱۳۸۰). کاربرد فرایند تحلیل سلسله مراتبی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای. *نشریه هنرهای زیبا*، ۱۰، ۲۱-۱۳.
- صارمی، علی اکبر. (۱۳۷۴). معماری ایرانی: در سخن چهار فصل از معماران صاحب نظر. *مجله آبادی*، ۱۹، ۲۸-۲۶.
- طالبی، حامد، حجت، عیسی و فرضیان، محمد. (۱۳۹۳). بررسی نقش حکومت، مردم و معماران در پیدایش کوی‌های مسکونی کوتاه مرتبه تهران در دوره پهلوی دوم. *نشریه هنرهای زیبا*، ۱۹ (۱)، ۳۲-۲۳.
- علی الحسائی، مهران و کرانی، نعیمه. (۱۳۹۲). عوامل تأثیرگذار بر طراحی مسکن از گذشته تا آینده. *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، ۱۴۱، ۳۶-۱۹.
- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۸۷). *مدرنیته و مسکن (رویکردی مردم‌نگارانه به مفهوم خانه سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن)*. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، ۱، ۶۳-۲۵.
- ماچاران دوب، شیا. (۱۳۷۷). *نوسازی و توسعه*. ترجمه مرتضی قره باغیان و مصطفی ضرغامی، تهران: نشر خدمات فرهنگی رسا. مفیدی، سیدمجید، کامران کسمایی، حدیثه و مفیدی، محمدرضا. (۱۳۹۵). *مسکن اجتماعی تبلور هویت، فرهنگ و پایداری*، تهران: موسسه علم معمار.
- منتظر، مریم. (۱۳۹۳). *بررسی تأثیرات دوره گذر از سنت به مدرن (نوگرایی) در شکل‌گیری معماری مسکونی شیراز و تزیینات وابسته به آن (دوره پهلوی دوم)*، پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز، دانشکده هنر و معماری.
- مهدوی‌نژاد، محمد جواد و منصوره محمود، پریناز، ۱۳۹۴، ورود جریان‌های نوگرا به معماری معاصر ایران، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، شماره ۲۱، صص ۳۰-۱۹.
- مهرآیین، مصطفی. (۱۳۸۹). *دیدگاه‌هایی در فرهنگ و تکنولوژی*. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- Aiyar, S.P. (1973). *Modernization of Traditional Society and other essays*. Delhi: Mac Millan.
- Apter, D. E. (1965). *The Politics of Modernization*. Chicago: University of Chicago
- Giddens, A. (2013). *The consequences of modernity*. John Wiley & Sons.

- Hall, S., Gieben, B. (1992). *Formations of modernity*. Polity Press.
- Heynen, H. (1999). *Architecture and modernity: a critique*. MIT press.
- Kil, S. H., Lee, D. K., Kim, J. H., Li, M. H., & Newman, G. (2016). Utilizing the analytic hierarchy process to establish weighted values for evaluating the stability of slope revegetation based on hydroseeding applications in South Korea, *Sustainability*, 8(1), 58.
- Lane, B.M. (2006) *Housing and dwelling, perspectives on modern domestic architecture*. London and New York: Routledge,
- Lerner, D. (1958). *The passing of traditional society: Modernizing the Middle East*. New York: Free Press.
- Nisbet, R., 1972, *Social change*. Basil Blackwell, oxford.
- Singh, V. (2015). *The impact of modernization on socio political status of scheduled castes a study of district kullu and hamirpur of Himachal pradesh*. (Unpublished Ph.D. desertation), Himachal Pradesh University.
- Yi, J. (2006). Dimensions of modernity and their contemporary fate. *Frontiers of Philosophy in China*, 1(1), 6-21.